

F. Aménagement du territoire

E. Land use planning

۲- آمایش سرزمین*

آمایش سرزمین یکی از قلمروهای عملکرد اساسی جغرافیای کاربردی است که اغلب با اراده و اختیار عدم تعادل‌های فضای ملی و ناحیه‌ای را اصلاح و سازمان دهی می‌کند. برای این کار ضروری است که از سویی از کل سرزمین شناخت و ادراک لازم را داشت و از دیگر سو درباره‌ی فضا آینده‌نگری تحلیلی کرد. با وجود این جغرافیدان به ندرت می‌تواند از نتایج عینی تحلیل‌ها و پیشنهاد‌های خود آگاه گردد.

اهداف و وسایل

گرچه هدف از آمایش در همه‌ی سرزمین‌ها "تعادل بخشی" فضا است، برای انجام این هدف، بر حسب سیستم‌های سیاسی از وسایل کاملاً متفاوتی استفاده می‌شود.

هدف: سازمان دهی فضا

آمایش سرزمین مستلزم ادراک فضای عمران‌پذیر است که عمیقاً دارای مفاهیم

* - ترجمه از متن فرهنگ جغرافیایی مؤلفان زیر است:

جغرافیایی است. پیشگامان آمایش فضا نظامیانی بودند که بر حسب سیاست‌های دریافتی، از فضا به عنوان مأمّن مصون از تعرض‌ها دفاع می‌کردند. به عنوان مثال در فرانسه "وُبان" در قرن ۱۷ با ایجاد شهرهای مستحکم اولین آمایشگر فضا محسوب شد. در روزگار ما نیز آمایش سرزمین می‌تواند با هدف دفاعی در مناطق مرزی انجام بگیرد.

هدف از آمایش سرزمین اغلب اصلاح آثار فضایی فعالیت‌های انسانی، به ویژه عوامل اقتصادی است، فضایی که معمولاً با شکل منفی، نامرتب و چه بسا نامتعادل درک می‌شود. سرزمین‌ها به دلایل مختلف به سوی عمران هدایت می‌شود: گاهی پایتختی که بسیار بزرگ شده و جمعیت زیادی را پذیرفته و قدرت سیاسی و اقتصادی وسیعی را در خود جمع کرده است (به عنوان مثال پاریس پایتخت فرانسه) و زمانی به منظور ایجاد تعادل بین دو ناحیه‌ای که نامتوازن گسترش یافته‌اند، آمایش فضا ضروری می‌نماید: امروز در کشور بلژیک آمایش سرزمین در جهت ایجاد تعادل بین دو ناحیه "والن"^(۱) و "فلاماند"^(۲) صورت می‌گیرد.

گاهی آمایش سرزمین در راستای بهره‌رسانی از ناحیه‌ای که در آخرین حدّ جبههٔ پیشتاز قرار گرفته است، جهت داده می‌شود، همان‌گونه که در جلگهٔ آمازون در کشور برزیل صورت می‌گیرد. بالاخره در کشورهایی که بر اثر عامل استعمار به قطعات چندی تجزیه و تفکیک شده‌اند و ساختار نامتجانس و ناهمگون دارند، آمایش سرزمین در جهت ایجاد همبستگی ملی نقش اساسی و حیاتی به خود می‌گیرد. وضع موریتانی به عنوان مثال روشنگر این مورد خاص است، یعنی موریتانی سابقاً وابسته به افریقای غربی فرانسه بود و مدتها با همسایه خود سنگال روابطی داشته است. استقلال، از موریتانی دولتی بدون همبستگی ملی ساخت که روی پایتخت جدید خود به نام "نواکشوت"^(۳) تمرکز داشت. به علاوه مرکز جدید، ناحیهٔ ساحلی را نیز در بر می‌گرفت و رودخانهٔ سنگال مرز آن کشور را مشخص می‌کرد. در این کشور هدف از آمایش سرزمین ایجاد هویت و تقویت اقتصاد ملی بود. بر این مبنا شبکه راهها به سوی پایتخت جدید راه‌گشودند و در سال ۱۹۴۷ میلادی راهی به نام "راه امید" ساخته شد که مراکز مهم را به هم وصل می‌کرد و از راههای قدیمی نزدیک به رقیب خود سنگال دوری می‌جست.

اگر آمایش سرزمین با حفظ روابط داخلی و خارجی قلمروی، در به بهره رساندن فضایی، کارساز افتد، می تواند به علل و انگیزه های مختلفی پاسخ گو باشد و حتی آمایش می تواند غیر مستقیم هم تحقق یابد: زمانی که رزولت در محدوده سیاست پیروان "کینز" اقتصاددان معروف سد بزرگ را در "New Deal" ساخت، گرچه از این فرصت در آمایش "تنسی" سود جست. ولی هدف عمده آمایش، اقتصادی بود.

آمایش با عملکرد چند مقیاسی^(۴)

آمایش سرزمین در ابعاد مختلف انجام می شود و به آن آمایش چند بُعدی و چند مقیاسی گویند. در کشور فرانسه شهرداری که به ساختی اجازه می دهد و یا این که، مانع از ساخت دیگر می شود، در واقع آمایشگر فضای "کمونی" است. دولت نیز در بُعد ایالتی و ناحیه ای آمایش دهنده فضا است. به علاوه با جهانی شدن اقتصاد رفته رفته آمایش فضا بُعد فراملی به خود می گیرد.

اما جافتادگی مقیاس آمایش سرزمین دو مسأله را مطرح می سازد: اولین مسأله مربوط به مقیاس آمایش است که با گوناگونی کشورها تابع تغییر است و حدود صلاحیت و توانی است که آمایشگر فضا می تواند داشته باشد. دومین مسأله مربوط به رقابتی است که در اجرای طرح های آمایشی پیش می آید. به عنوان مثال در انتخاب مسیر ایجاد بزرگ راهی برخوردارهایی با خواسته جمعیت "کمونی" پیش می آید. بنابراین لازمه انجام آمایش هماهنگی و همسویی تمام کنشگران فضا است. با این همه اختلاف در منافع، اغلب به تحلیل ها و پیشنهادهای مختلف کشانده می شود و توجه به وسایل عملکرد اساسی را ضروری می نماید.

وسایل عملکرد بسیار متغیر است

در گام نخست تعیین اختلاف در آمایش کشورهای استبدادی با آمایش سایر کشورهایی که آنجا آمایش سرزمین معمولاً عینی و ملموس می باشد، ضروری است. در این حالت، دولت وسایل نامحدودی در اختیار دارد و می تواند آمایش آمرانه و مستبدانه ای را انجام دهد، بی آنکه توجهی به بازتاب روانی ادراک خود از آمایش سرزمین داشته باشد. در قرن بیستم

جغرافیدانان برای آنکه افکار خود را به مرحله عمل نزدیک سازند، به سوی همکاری با یکدیگر کشانده شدند و یکی از نظریه پردازان بزرگ جغرافیای شهری "والتر کریستالر"، "هیتلر" را و می‌داشت که شبکه شهرهای لهستان را باز سازی و اصلاح کند.

مطالعه وضع اتحاد جماهیر شوروی سابق جالب توجه است، چرا که دولت پرتوانی را نشان می‌دهد که برای مدت طولانی اراده و اختیار بسیار قوی در آمایش سرزمین خود داشته است. در آن دوره عمده‌ترین امکانات و وسایل اختصاصاً در به بهره رساندن اراضی سیبری به کار گرفته شده بود: تبعید جمعیت، حتی گاهی قومی، احداث و جابه جا کردن مؤسسات، ایجاد راههای مهم ارتباطی در مقیاس قاره‌ای (بایکال، آمورماژیسترال)^(۵) و مراکز بزرگ شهری فراتر از ساختار اجتماعی پیشین به عنوان نمونه قابل ذکر است.

ادراک اتحاد جماهیر شوروی سابق مبتنی بر میل و اراده‌ای بود که جبرگرایی طبیعی را شدیداً نفی و انکار می‌کرد. دولت روی هر محیط طبیعی به دلخواه عمل می‌کرد. و طرحها در مقیاس قاره‌ای به اجرا در می‌آمد، نظیر پیش بینی انحراف رودخانه‌های سیبری، به منظور ایجاد دریایی در داخل آن قاره، نشانی از اراده آن دولت بود.

در سالهای پنجاه در محدوده برنامه "اراضی بکر" دولت در کشت غلات در مناطق بسیار خشک و کم حاصل قزاقستان ابدأ تردیدی به خود راه نداد. این کار بزرگ با مشورت مهندس کشاورز "لیسانکو"^(۶) با نی مرکز زیست‌شناسی کارگری که مسایلی ژنتیکی (طرفداران بوخارین، تروتسکی و بورژوازی) را مورد مطالعه قرار میداد، انجام گرفت. عدم توفیق فلاکت بار این نظریه‌ها با صدمات به جامانده از آمایش رودخانه‌های دریای آرال ظاهر شد و نشان داد که آمایش سرزمین نمی‌تواند بدون در نظر گرفتن شرایط محیط انجام پذیرد و به طور عام اراده و میل لجام گسیخته انسانها دارای خطرات وسیع، نظیر آلودگی محیط و حتی همراه با ضایعه وسیع انسانی و جمعیتی است.

اما وسایلی را که کشورهای دموکراتیک در اختیار دارند و هدفهایی را که روی آن تاکید می‌کنند، ماهیت دیگری دارد. با وجود این اگر اراده و اختیارگرایی^(۷) همراه با خواست سیاسی قوی باشد، نظیر جابه جا کردن پایتخت‌ها، گاهی جنبه نمادین به خود می‌گیرد: برلین بعد از اتحاد دو آلمان دوباره به پایتختی آن کشور برگزیده شد. "برازیلیا" در جهت جواب

گویی به تعادل بخشی سرزمین برزیل در منطقه فقیر و پرجمعیت آن کشور ساخته شد. برعکس انتخاب "یاموسوکرو"^(۸) به عنوان پایتخت کشور "کت دیوار" پیش از آن که به هدف‌های آمایشی پاسخ گو باشد. تمایلات شخصی رئیس جمهور "هوفوئت بوان یی"^(۹) را ارضا کرد، چراکه شهر مورد بحث زادگاه وی بود.

در کشورهای ازاد معمولاً اشکال و وسایل عملکردها کمتر ریشه‌ای و اساسی است. در فرانسه شهرداری‌ها سازمان دهی فضا را بر مبنای "طرح اشغال خاک‌ها"^(۱۰) با تعیین حدود مناطق قابل ساخت از زمین‌های کشاورزی و... انجام می‌دهند. به همین مناسبت مانند سایر مقیاس‌های آمایشی، نقشه‌های ویژه‌ای تهیه می‌شود که به دید کلی روی سرزمین مورد نظر امکان می‌دهد و دولت بر مبنای نقشه‌های مختلف و یا به وسیله باز برش‌های ناحیه‌ای عمل می‌کند. "طرح‌های هادی حمل و نقل"^(۱۱) وسیله و ابزار متمایزی هستند که امواج بزرگ اقتصادی را جهت می‌دهند و می‌توان با انتخاب مسیر بزرگ راهی یا خط آهنی که معمولاً با فلسفه و انگیزه خاصی مدیریت شرکت حمل و نقل ملی شده‌ای را هدایت می‌کند، ناحیه‌ای را آمایش داد و کمک کرد: در مورد فرانسه این سؤال مطرح است که آیا با توسعه راه‌آهن‌های سریع‌السیر به مادر شهرهای ناحیه‌ای و پاریس باید امتیاز بخشید و یا به وسایل نقلیه شهری که بیشترین خدمات را تا قلب محیط‌های روستایی می‌دهند، وسعت و امتیاز باید داد؟

بالاخره آمایش سرزمین با سرمایه‌گذاری ملی و به طور مستقیم صورت می‌گیرد: در ایتالیا آمایش سرزمین میل به تعادل بخشی ملی را به نفع جنوب خالی از جمعیت آن کشور، نشان می‌دهد. این سرمایه‌گذاری می‌تواند با تصمیمی در سطح فوق ملی، به عنوان مثال در محدوده اتحادیه اروپایی، انجام بگیرد و "سرمایه اروپایی توسعه ناحیه‌ای"^(۱۲) آن نواحی را که مشکلات اقتصادی دارند، در این زمینه یاری می‌دهد.

تمام آمایش‌های سرزمین با سیاست‌های انتخابی حاکم بر نواحی روابط تنگاتنگی دارد. اما تدابیر و ملاحظات آمایشی واحد معینی روی سرزمین‌های دیگر بعید نیست که به نتایج آمایشی متفاوتی منتهی شود. بیش از دو قرن است که بر مبنای ایده نولژی "ژاکوبین" ها که بر محور تمرکزگرایی دور می‌زند، سنگینی وسیعی بر دوش پاریس نهاده شده که البته نمی‌تواند همیشگی باشد.

آمایش سرزمین فرانسه

آمایشی که از نظر تاریخی نسبتاً تازه است

در فرانسه آمایش سرزمین فکر نسبتاً تازه‌ای است و بایستی تا دهه ۶۰ انتظار کشید تا دولت تأمل فراگیر بر آمایش فضا داشته باشد. پیش از این تاریخ گاهی تدابیر جزئی گرفته می‌شد. در سال ۱۹۱۱ میلادی گزارش شاعر "بوتی" به (۱۳) مسأله و موضوع اندازه و اندام پایتخت و فضاهای پیرامون آن را مطرح ساخت و توسعه پاریس را پیش بینی نمود! همچنین ایجاد سازمان مشهور "کمپانی ملی رُن" (۱۴) در سال ۱۹۳۳ محرک توسعه ناحیه‌ای شد و کمپانی مأموریت یافت که به منظور استفاده از نیروی برق - آبی، تسهیلات کشتیرانی و تامین مصارف آب کشاورزی را از طریق رودخانه‌ها مورد آمایش قرار دهد و این کار آمایش واقعی سرزمین بود.

در سال ۱۹۴۷ انتشار اثر "ژی - اف، گراویه" (۱۵) با عنوان "پاریس و نواحی کم جمعیت فرانسه" عدم تعادلی را که بین پاریس و سایر ایالات فرانسه وجود داشت، به طور قاطع نشان داد.

از ابتدای سال ۱۹۵۵ دولت وسعت و بُعد ناحیه‌ای را در محدوده ۲۲ "ناحیه برنامه" در نظر گرفت و در سال ۱۹۶۰ با اتخاذ تدابیر مهم برای توزیع سرمایه‌گذاری و انجام سی طرح افتخارآمیز فرصت مناسبی پیش آمد. اولین مسأله رشد جهشی شهرها، به ویژه توسعه بی‌نظم منطقه شهری پاریس بود. در سال ۱۹۶۵ با ایجاد "طرح هادی آمایش و شهرسازی" (۱۶) اولین پاسخ به مشکلات عدم تعادل‌ها داده شد و کمربند سبز حفاظت شده شهری مشخص گردید و آینده شهر نشینی را بر مبنای الگوهای انگلیسی، با ساخت "نوشهرها" (۱۷) در کمون‌هایی بر مبنای نفی دیدگاهها و عقاید سنتی پیشین و با داشتن تجهیزات مختلف پیش بینی کردند. نوشهرهای مورد بحث گرچه دور از پاریس شکل می‌گرفتند؛ (شکل ۱) بوسیله "شبکه حمل و نقل سریع‌السیر ناحیه‌ای" (۱۸) ارتباط خود را با پایتخت برقرار می‌کردند.

در ابتدای سال ۱۹۶۳ نمایندگی آمایش سرزمین و عملکرد ناحیه‌ای مأمور می‌شود که در مقیاس ملی اکثر محرک‌های سیاسی را نظم دهد و به رشد هشت ما در شهر بزرگ ناحیه‌ای به نام "مادر شهرهای متعادل" (۱۹) کمک کند و واحدهای صنعتی را از پیرامون پایتخت بپراکند

و در راستای تعادل بخشی به رشد شتاب آلود ناحیه پاریس، آهنگ این رشد را سست کند. به موازات اقدامات یاد شده، سازمانهای بزرگ ناحیه‌ای نظیر "کمپانی ملی آمایش ناحیه ژن سفلی و لانگدک"^(۲۰) زیاد می‌شود و هیأت‌های چند نقشی را در بطن خود جای می‌دهد که وظیفه آنها از پارک سازی سواحل گرفته تا مسایل آبیاری و جهانگردی گسترش می‌یافت.

در سال ۱۹۶۷ "قانون جهت دهی زمین داری"^(۲۱) به ایجاد سازمانهای ZAD, ZAC و POS موجباتی فراهم می‌کند و در دهه ۶۰ پارک طبیعی و سپس پارک ملی "وانواز"^(۲۲) از سوی دولت ایجاد می‌شود و این در زمانی است که حفاظت از حیوان، گل و گیاه، خاک، منابع زیر زمینی، هواسپهر، آبها و به طور عام محیط طبیعی، سود ویژه‌ای را در جهت حفظ و صیانت از محیط نشان می‌داد (قانون ۱۹۶۰). حال آمایش سرزمین در جهت محدود ساختن تجهیزات و زیر ساخت‌ها، اغلب بر عکس سیاست‌های آمایش پیشین جهت داده می‌شود.

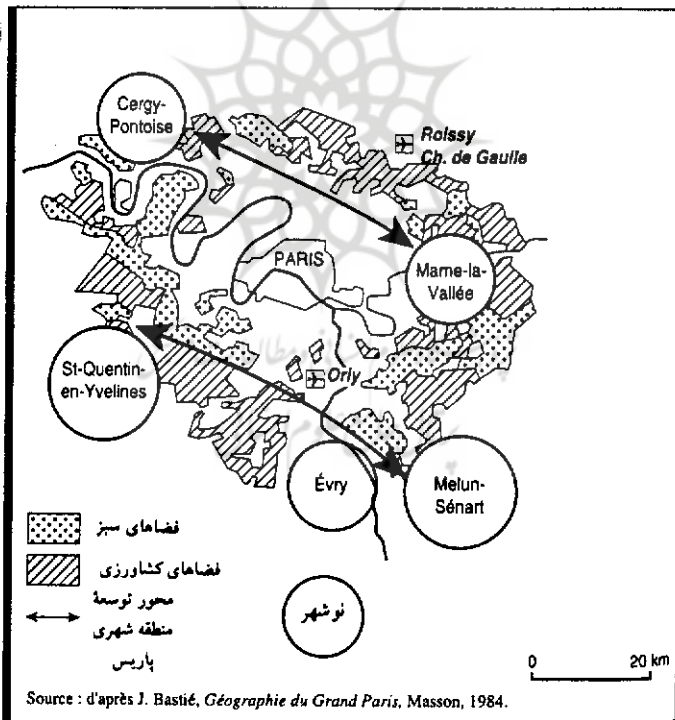
در سال ۱۹۶۷ "پارک‌های ناحیه‌ای"^(۲۳) ایجاد می‌شود و گرچه هدف از تأسیس این پارک‌ها حفظ طبیعت بود، بیشتر روی توسعه فعالیت‌های روستایی و نقش پذیرایی آنها تاکید می‌کردند. با وجود این در حوالی سال ۱۹۷۰ مسایل مربوط به آمایش سرزمین زیاد و قابل توجه بود: پاریس به رشد خود ادامه می‌داد، "نواحی برنامه" ریزی شده هیچ قدرتی نداشتند، عدم تمرکز صنایع، در جمع ناکافی بود و تمام تصمیمات مهم در پاریس گرفته می‌شد.

در سال ۱۹۷۱ DATAR فریاد خطری براه انداخت، مبنی بر این که آمایش‌های واقعی چنانچه باید راهنمایی و هدایت نشده، هنوز بخش‌های مهمی از سرزمین سریعاً در حال خالی شدن هستند. در سالهای هفتاد راه حل‌ها کمتر جامعیت داشت و بحران اقتصادی می‌خواست امکانات سرمایه گذاری را کاهش دهد، به گونه‌ای که در قراردادهای دولت در مورد شهرهای میانه اندام و ناحیه‌ای پیش آمد.

با وجود این در تمام زمینه‌ها کمک مالی در رشد خاص جوامع به ویژه در بهره‌ور ساختن فضای روستایی و کمک به فعالیت‌های چند منظوره آنها با تدابیر و اقدامات مالیاتی امکان پذیر شد و با همین نظم فکری قرار داد طرح‌هایی که بوسیله نواحی منعقد شده بود، در تثبیت سرمایه گذاریهای مختلف و سامان دهی بخش‌های ذی نفع و مداخله گر مؤثر افتاد و طرح‌ها به طور مرتب در طول پنج سال به اتمام رسیدند. اما برای آگاهی از جاه‌طلبی‌های مربوط به "عدم تمرکز"^(۲۴) ها می‌بایست در انتظار سال ۱۹۸۲ بود. بدین معنی نه تنها نتیجه فعالیت‌ها بلکه منشأ کاربرد قدرت‌ها را مورد آزمون قرار داد و دانست که در سیستم اداری

جامعه متمرکز قدرت تصمیم‌گیری به عهده کارگزاران محلی است یا خیر؟ در سال ۱۹۸۵ "قانون کوهستان" و در سال ۱۹۸۶ "قانون سواحل" در زمینه آمایش بخشی از سرزمین‌های کشور تصویب، اجرا و پی‌گیری می‌شود و ابزار قانونی با تنظیم قراردادهای و اتخاذ تدابیر دقیق تکمیل و هویدا می‌گردد.

در سال ۱۹۸۷ "قطب توسعه اروپایی" رشد و توسعه نواحی مرزی را تشویق می‌کند و در سال ۱۹۹۲ اندیشه و تأمل به سرمایه‌گذاری میان مدت در بعضی از ایالات فرانسه، در مورد "طرح دانشگاه ۲۰۰۰ (۲۵)" باب روز می‌شود و در همین سال "طرح هادی راه‌ها و بزرگ راه‌ها (۲۶)" امتیاز ایجاد راه‌های ارتباطی عرضی کشور را که گاهی کم سود می‌نمود، مورد آزمون قرار می‌دهد. همچنین بزرگ راه "کلرمن فران-مُن پلّیه" بی‌آنکه تقدّمی را از لحاظ سود اقتصادی نشان دهد، به انجام می‌رسد.



شکل (۱) نوشهرها و توسعه پاریس

تدابیر کاملاً مشخصی که در مورد "تغییر مکان" (۲۷) مؤسسات عمومی گرفته می‌شود، نمی‌تواند کاملاً از دل مشغولی‌های دولت در آمایش سرزمین بکاهد. با وجود این در جریان این دوره ناحیه "ایل دو فرانس" دوباره مورد توجه قرار می‌گیرد و کارهای بزرگ در ناحیه پاریس که اکثر آنها ساختمانی و نمایشی بوده در دستور کار آمایش گران قرار می‌گیرد و در زمینه کشاورزی کمک‌های خاص پولی به کشاورزان ناحیه "بُس" و به چهار دانشگاهی که در محدوده طرح "دانشگاه ۲۰۰۰" در ناحیه ایل دو فرانس ایجاد می‌شوند، اعطا می‌شود که نشانگر تردیدها و تناقض‌ها و دوگانگی‌ها در اجرای سیاست‌های آمایشی کشور فرانسه است.

تحقق برنامه‌های کنونی و طرحهای آینده

در سال ۱۹۹۳ شورای وزیران فرانسه به طور استثنایی در شهر "ماند" (۲۸) در استانی کاملاً محروم تشکیل می‌شود و طرح بسیار بزرگی را به نام "فردای فرانسه" مطرح می‌کنند که غور و اندیشه درباره فرانسه سال ۲۰۱۵ را پیشنهاد می‌کرد. این طرح حاوی چهار تحقیق اساسی است که اجرای آن تعادل بخشی سرزمین فرانسه را تامین می‌کند:

- اولین بررسی مربوط به تضادی است که بین بخش‌های خالی فرانسه و بخش دیگری که کامل و انباشته است، وجود دارد: لازم به یادآوری است که ۸۰ درصد جمعیت فرانسه روی ۲۰ درصد سرزمین آن کشور ساکن شده است. با وجود این به نظر می‌رسد که این پدیده خود به خود در حال کاهش است و مهاجرت روستایی در برابر تغییر شکل نواحی نیمه خشک به خشک و افزایش زمین‌های بایر، یعنی زمین‌های رها شده و زیرکشت نرفته، در حاشیه مانده است و در کل تصویری از اراضی معیوب را نشان می‌دهد: در سال ۱۹۹۰ جمعیت روستایی فرانسه به میزان سال ۱۸۱۰ بوده، اگر چه شکل اشغال زمین تغییر یافته بود.

در فرانسه شخم اراضی کشاورزی سیر قهقرایی دارد و میزان آن نسبت به سال ۱۹۵۰ به نصف رسیده است و تقسیم بندی سرزمین روی روستاها و شهرهای کوچکی متمرکز است که تکامل چندانی نیافته‌اند. البته این مربوط به تمامی سرزمین نیست، بلکه نواحی کاملاً مشخصی را شامل می‌شود.

- دومین تحقیق برخی از نواحی را در بر می‌گیرد که آنجا فعالیت چه در زمینه کشاورزی

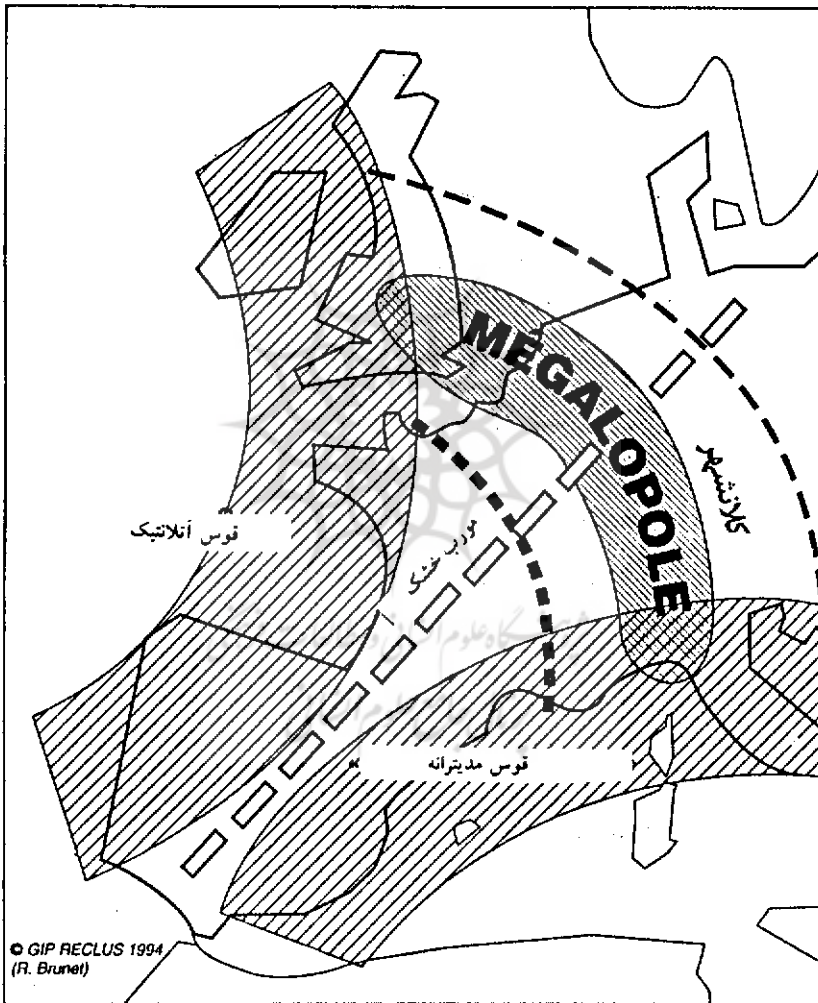
و حتی صنعتی چندان سودآور نیست و اجرای برنامه باید این نواحی را پویاتر کند.
 - سومین تحقیق که ناشی از بررسی مرحله دوم است مربوط به عدم تعادل هایی است که خطر فروپاشی سرزمین را قریب الوقوع نشان می دهد. بدیهی است که هدف نهایی در این مرحله از تحقیق برقراری "عدالت" در توزیع فعالیت ها و ایجاد فضایی است که آنجا دور از انتقاد و آرمان گرایی بتوان به توزیع هماهنگ و مناسب دست یافت.

- بالاخره چهارمین بررسی به اجرای آن بخش از طرح های آمایشی کمک می کند که باید در مقیاس اروپایی برنامه ریزی شود. چرا که بخش مهمی از سرزمین فرانسه از پشت و ستون فقرات (۲۹) اروپا و به اصطلاح از "موزآبی" (۳۰) و به تعبیر دیگر از مرکز ثقل اقتصاد اروپایی، که کم و بیش منطبق با فضای زنانی است، منحرف شده و دور مانده است. (شکل ۲).

اصطلاح "موزآبی" برگرفته از شکل نقشه نگاری این منطقه است که در اولین نقشه رنگ اصلی آن به گونه "رُز" نشان داده شده بود. اما به وسیله روزنامه ای به رنگ آبی تغییر نام یافت. حال این سؤال مطرح است که در عصر ارتباطات سریع، حتی آنی و فوری عدم استقرار و انطباق فرانسه با ناحیه "موزآبی" و تحمّل زیانهای بی شمار دلیل اختلاف و عدم همپایی فرانسه با رشد فوق العاده ناحیه زنانی نمی باشد؟

این چهار مرحله تحقیق آمایش فرانسه مصون از نقد و انتقاد نیست، چرا که اولاً همه آمایش های سرزمین متکی به ادراکی است که به ندرت غیر قابل اعتراض می باشد، ثانیاً تمام تدابیر اتخاذ شده به منظور آینده نگری درباره آمایش سرزمین منوط به انتخاب سیاست و حتی ایده تلوژی بازیگران و کنشگران فضا است. از سوی دیگر ابزارها و وسایل عملکردهای کنونی همه نوآور نیستند که بتوانند نقش ساختاری حمل و نقل را در جهت خفیف و سبک گرداندن مسایل ناشی از انزوای جغرافیایی بخش های متعدد پویاتر کنند و به آن امتیازی بدهند.

در پایان این بحث سؤالاتی را که متضمن درون مایه بی شماری است، می توان به این شکل مطرح ساخت: نقش دولت در آمایش سرزمین و سازمان دهی فضا چیست؟ چگونه می توان آمایش سرزمین فرانسه را با اروپا یگانه ساخت و به آن پیوند داد؟ چگونه می توان از



شکل (۲) مادر شهرهای اروپایی و محورهای توسعه اروپا از نظر رژه برونه

خم شدن شش ضلعی* اجتناب کرد؟ برای اتخاذ تدابیر آمایشی تقسیم بندی سرزمین چگونه باید باشد؟ آمایش سرزمین در سطح کمون‌ها مناسب است یا در محدوده نواحی؟ اندازه و اندام جغرافیایی ناحیه در چه وسعتی باید باشد؟ البته به استثنای چند ناحیه کوچک (نظیر Länder) بقیه نواحی فرانسه با سایر نواحی اروپا قابل مقایسه است. بدین معنی نواحی فرانسه بی شباهت به نواحی کشورهای غیر متمرکز اروپایی نمی‌باشد، بویژه نظیر کشور آلمان که گاهی پدید آورنده شکلی از مدل اقتصادی است.**

تکمله‌ای برای آگاهی بیشتر خوانندگان در زمینه آمایش سرزمین***

آمایش سرزمین نتیجه بازتاب اندیشه و عملکرد گروه‌های انسانی است که در مقیاسهای متفاوت محلی (شهر، روستا)، ناحیه‌ای (آمایش‌های بزرگ ناحیه‌ای نظیر ایجاد یک بزرگ راه یا تامین آب مورد نیاز یک ناحیه و...) و ملی پیاده می‌شود تا بهینه توزیع انسان‌ها را فراهم سازد و توزیع هماهنگ فعالیت‌های اقتصادی را در رابطه با منابع طبیعی ناحیه به گونه بایسته تضمین کند.

عمده‌ترین ابزار آمایش سرزمین بهره‌گیری مناسب از ساختار انرژی‌های موجود در فضا است، اما منظور از انرژی تنها منابع انرژی خورشیدی، قسیلی و برق - آبی موجود در ناحیه نیست بلکه انرژی حاصل از نیروی کار انسان‌ها، اطلاعات، سرمایه و فناوری‌ها را نیز در بر می‌گیرد که بهره برداری و بهره‌گیری از آن‌ها به گونه‌ای که به تخریب اقتصادی منابع و فروسایي ناحیه منتهی نشود، در سازمان دهی ناحیه نقش عمده‌ای دارد.

آمایش سرزمین در اشکال مختلف و برای تامین هدف‌های معینی انجام می‌شود: توزیع بهتر و هماهنگ فعالیت‌ها در فضاها به تناسب ویژگی‌ها و داده‌های محیطی، استقرار مستمر جمعیت در حد متناسب خود روی فضا، جلوگیری از حرکات مکانی نابجای جمعیت‌ها، کاربرد تدابیر لازم در تشبیت جغرافیایی

* - مراد از شش ضلعی شکل ساده فرانسه است که اغلب در داخل شش ضلعی منظم آورده می‌شود. (مترجم)

** - برای آگاهی بیشتر مباحث مربوط به دولت، ملت، کشور (مرز)، ناحیه، سیستم سیاسی و اقتصادی، شهر و شهر نشینی را که در شماره‌های آینده "فضای جغرافیایی" منعکس خواهد شد مطالعه کنید.

*** - بحثی که به عنوان تکمله‌ای برای آگاهی بیشتر خوانندگان در زمینه آمایش سرزمین تدوین یافته است نظریات مترجم است که بخشی از دیدگاه‌های آمایش سرزمین را که جنبه عمومی دارد، نشان می‌دهد.

جمعیت‌های مهاجر، کاهش تباین‌های محیطی و اصلاح و به سازی و بازسازی مکان‌های نامطلوب و به اصطلاح ناپذیرای جغرافیایی ... از آن جمله است، چرا که بهبود شرایط فردی و اجتماعی انسان‌ها بدون اصلاح و آمایش فضا و انجام آمایش سرزمین بدون حضور انسان‌های مولد، آگاه و کارآمد و ابزارهای متناسب هر فضا امکان‌پذیر نیست.

در آمایش سرزمین گرچه فناوری‌های زمان و سرمایه را کم نقشی نیست ولی انجام دادن توفیق‌آمیز آمایش سرزمین بهنگامی است که بر پایه شناخت‌های جغرافیایی فضا تکیه شود. بر این مبنا در آمایش سرزمین از سویی داده‌های طبیعی مانند توپوگرافی، مرفولوژی، خاک، شرایط آب و هوایی و... فضا را باید شناخت و از دیگر سو داده‌ها و توانهای محیطی، اعم از گیاهی، حیوانی، منابع زیرزمینی، به ویژه منابع تجدید نشدنی محیط را مورد آزمون قرار داد و در کنار آن نیروهای مولد، یعنی ساختار نیروی انسانی و بازیگران فضا را که بر مبنای سیاست خاصی در آمایش سرزمین ایفای نقش می‌کنند به گونه‌ای بایسته ارزیابی کرد.

گرچه عوامل نامبرده در بالا گونه‌ای آمایش ارادی و دلخواه سرزمین را توجیه می‌کند، اما وقوع جنگ‌ها و سوانح طبیعی خود انگیزه آمایش سرزمین است: آمایش شهرها، مادرشهرها، پایتخت‌ها و کانونهای بزرگ تولیدی و اقتصادی بعد از هر حادثه ناگوار، به تبع آن بازسازی مراکز ویران شده، ساخت نوسهرها در راستای پراکندن جمعیت‌ها و فعالیت‌ها، ایجاد تعادل‌های ناحیه‌ای با اجرای قانون "تمرکز زدایی"، دادن پویایی لازم به نواحی کُند آهنگ گام‌هایی هستند که در آمایش سرزمین برداشته می‌شوند.

در آمایش سرزمین در ابعاد ناحیه‌ای بیشتر به سازمان دهی نواحی بکر دست نخورده کشور، از جمله به کناره دریاها، سینه کوهستانها و محیطهای جنگلی توجه خاصی می‌شود تا صنعت توریسم و گردشگری پویا شده و توسعه یابد. در چنین سازمان دهی، شهرها، به ویژه مادرشهرهایی که به عنوان فن شهر (تکنوپل) در مقیاس ناحیه‌ای و ملی قد برافراشته‌اند، ایفای نقش می‌کنند، چرا که این شهرها ابزارهای لازم آمایش سرزمین را در زمینه‌های سرمایه، تکنیک و نیروی انسانی متخصص و کارآمد به قدر کافی، در اختیار دارند و در واقع مدیران این شهرها کنشگران فضای ناحیه‌ای، شهرها و روستاهای شناور در پلاسمای ناحیه‌ای هستند که ساخت و سازمان دهی فضای ناحیه‌ای و تمام واحدهای وابسته به آن را سازمان دهی می‌کنند.

آن چه در آمایش شهرها بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، نظم دهی شبکه ارتباطی درون شهری، منطقه بندی آن بر مبنای معیارهای شهر سازی و شهرشناسی و وسعت بخشی ارتباط ارگانیک شهر با دیگر شهرها

و روستاهای ناحیه‌ای است که به سازمان دهی ارتباطات، توزیع هماهنگ و متعادل مراکز فعالیت و پراکندن متوازن سکونتگاههای انسانی منتهی می‌شود.

از آن جایی که شهرها بازار جذب و مصرف تولیدات صنعتی هستند، در راستای کاهش تعرفه حمل و نقل مواد اولیه، خام و یا نیمه ساخته، صنایع را به سوی خود جذب می‌کنند و در نتیجه بازار تولید و مصرف به هم نزدیک شده، مکان یابی مناسب واحدهای تولیدی در حوزه مغناطیسی شهرها و یا پراکندن و دور ساختن واحدهایی که بدون رعایت شرایط زیست محیطی شهرها در بطن کانونهای شهری قرار گرفته‌اند، در قلمرو آمایش شهری قرار می‌گیرند. بر این اساس استقرار مناسب واحدهای صنعتی - با توجه به ماهیت تولید - وسعت فضای اشغالی واحدها و آینده نگری در راستای رشد آن‌ها اقداماتی هستند که در بستر آمایش سرزمین به انجام می‌رسند. بدیهی است که همه این اقدامات با شناخت و مطالعه قطب‌های رشد، محورهای توسعه و اشکال توزیع واحدها و با در نظر گرفتن قابلیت و توان کشش نقاط جاذب و استراتژی دولت‌ها عملی و انجام می‌شوند. بر این اساس در آمایش شهر و منطقه شهری توجه اساسی به کاربری فضا و زمین شهری و تغییرات اساسی در سیمای فیزیکی و ابعاد توسعه شهری به منظور جواب‌گویی به جمعیت رو به رشد شهرها الزامی می‌تواند. امروز آن چه بیش از همه در آمایش شهری مطرح است، حفظ محیط زیست شهری با رقیق‌گرداندن غلظت تراکم جمعیت شهری و جهت دادن فعالیت‌ها به سوی نواحی خالی از جمعیت کشورها است. برای مثال، آمایش پایتخت و سایر ما در شهرهای کشورمان که لبریز از جمعیت بی‌کاره شده و از نظر شرایط زیست محیطی چهره خفقان‌آوری به خود گرفته‌اند، با آمایش روستاها، به ویژه روستاهای مهاجر فرست و مهار کردن حرکت جمعیت روستایی به سوی شهرها از سویی و جهت دادن فعالیت‌های تولیدی به شرق و جنوب شرقی میهن مان که هنوز خالی از جمعیت و فعالیت‌های تولیدی هستند از دیگر سو، امکان‌پذیر است.

آمایش روستا اقدامی است که به منظور بهره‌ور ساختن زمین‌های کم حاصل و زیر کشت بردن زمین‌های بکر در جهت توسعه و رشد فعالیت‌های کشاورزی انجام می‌شود. بدیهی است که آمایش روستا در ابعاد کلان و خرد عملی است: در بُعد گسترده ناحیه‌ای تامین آب روستاها از طریق ایجاد سدها، مهار آبها و ایجاد نهرهای انحرافی از رودخانه‌های پر آب به مناطق بزرگ زراعی، به ویژه به قلمروهای جغرافیایی خشک و نیمه خشک (به گونه‌ای که در دشت مغان استان اردبیل انجام گرفته است). ابتدایی‌ترین و اساسی‌ترین اقدامی است که در تحقق آمایش کلان روستاها مطرح می‌شود.

انجام اصلاحات ارضی در کشورهایی که نظام بزرگ مالکیت دارند، از سویی نابرابریهای اجتماعی را

رفع می‌کند و از سوی دیگر اراضی خرد را در محدوده شرکت‌های تعاونی در راستای انطباق فضای کشت با عمل مکانیزه کردن کشاورزی یک پارچه می‌کند و این عمل آمایشی با بُعد کلان نامیده می‌شود که در سطوح ناحیه‌ای و ملی ناظر به عمران روستاها است. توجه به این نکته ضروری است که یک پارچه کردن اراضی مغایر با اصلاحات ارضی و همگامی با مالکیت‌های بزرگ نبوده و نیست.

هم زمان با چنین اقداماتی ایجاد و توسعه راههای روستایی در جهت خروج روستاها از انزوای جغرافیایی و ایجاد ارتباط مستقیم و منطقی بین سلول‌های تولید (روستاها) با بازار مصرف شهری و ورود به قلمرو اقتصاد پولی از امور مبنایی آمایش روستایی است.

آمایش خُرد در بُعد محدود روستا نیز نمی‌تواند فارغ از الزامات جغرافیایی ناظر بر روستاها انجام بگیرد، لذا آمایش روستا با کم و بیش اختلاف از ناحیه‌ای به ناحیه دیگر اقدامات زیر را می‌طلبد:

- ۱- ارزیابی متناوب ماهیت خاک کشاورزی و مزارع زیر کشت روستاها؛
- ۲- اصلاح کودهای شیمیایی و تطبیق دادن آن با جنس خاک کشاورزی و گیاهان کشت شده، به ویژه با شرایط بیولوژیکی خاکها. در این مورد بهره‌گیری از شناخت مهندسان زراعی ضروری است؛
- ۳- زه‌کشی جریان آب‌ها، جلوگیری از هرز شدن این ماده حیاتی و تغییر در شیوه آبیاری مزارع با در نظر گرفتن شرایط آب و هوایی ناظر بر روستا و گیاهان کشت شده در زمین؛
- ۴- تبدیل شیب‌های ملایم کوهستان به تراس‌های قابل کشت و کاربرد روشهای آبیاری متناسب با توپوگرافی زمین به منظور وسعت بخشیدن به اراضی زیر کشت، به ویژه در مناطقی که آنجا محدودیت فضای کشت وجود دارد؛
- ۵- به شرط تامین آب، جابه‌جایی کشت‌های سطحی (نامتمرکز)، سنتی و دیمی با کشاورزی عمقی (متمرکز) به منظور بالا بردن بهره‌وری کار، افزایش میزان تولید در واحد سطح به مدد سرمایه، تکنیک و با استفاده از نیروی انسانی کارآمد متخصص، همراه با کاهش خدمه کشاورزی غیر ماهر در واحد تولید گامی است که در آمایش روستا برداشته می‌شود.

۶- در نواحی جغرافیایی که در عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی توازن لازم رعایت نمی‌شود و در جذب تولیدات کشاورزی نوسانات و فراز و فرودهایی پیش می‌آید و یا با انواع بیماری‌های گیاهی و حیوانی مبارزه و جدال پی‌گیر انجام نمی‌شود، کشت تک محصولی مصون از بحران‌ها نمی‌ماند چرا که ممکن است تولید بیش از حد نیاز محصول معینی بر اثر اشباع بازارهای مصرف، جذب نشود (به عنوان مثال تولید پیاز و سیب زمینی در آذربایجان شرقی که از نظر جذب دچار بخرانهایی می‌شود) و یا به وسیله آفت گیاهی معدوم گردد. در چنین شرایطی کشت محصولات متنوع کشاورزی که تنوع مصرف و تضمین در جذب کالا را

دارد، به عنوان یکی از الگوها و راهکارهای آمایش روستا پیشنهاد می‌شود.

۷- در پایان این بحث لازم به یادآوری است که در آمایش سرزمین کارشناسان نظام‌های مختلف علمی مشارکت دارند. به سخنی روشن‌تر هیچ یک از کارشناسان نظام‌های علمی مانند اقتصاد دان، جامعه شناس، شهرساز، جغرافیدان و... نمی‌تواند به تنهایی متولی آمایش سرزمین باشد. در این میان نقش اساسی جغرافیدان معطوف به آزمون‌سازی برنامه‌های آمایشی با ویژگیهای جغرافیایی فضای عمران‌پذیر است و در این بستر، جغرافیدان توانهای محیطی را با وسعت برنامه ریزی‌ها و میزان سرمایه‌گذاری‌ها و سطح کاربرد تکنیک‌ها ارزیابی می‌کند و به تبع قابلیت و کشش فضا، سطح آمایش سرزمین را تا مرز عدم آلاینش محیط زیست ناحیه‌ای و واحدهای شهری و روستایی تعیین می‌کند.

از آنجا که کارشناس جغرافیا در بستر "جغرافیای بهزیستی" انسانها حرکت می‌کند، نمی‌تواند به آمایش سرزمین جز در قالب همسویی و همسازی عوامل عمران با ظرفیت پذیرش فضا و سرزمین بیندیشد و با طرحهای آمایشی جاه طلبانه ناتوان از جذب و پذیرش ناحیه و یا با کاستی‌ها و نارسایی‌های عوامل همراهی ناکارآمد در سرانجام آمایش و دگرگونی فضا موافق باشد و در نتیجه ناظر هرز شدن سرمایه‌ها و هدم کامیابی اقتصادی برنامه‌ها و شکست طرح‌های آمایشی ناموفقی باشد که اغلب جبران آنها ناممکن می‌نماید.

یادداشتها

- 1 - Wallon
- 2 - Flamand
- 3 - Nouakchott
- 4 - Multiscalaire
- 5 - Baikal - Amour Magistral (BAM)
- 6 - Lyssenko
- 7 - Volontarisme
- 8 - Yamoussoukro
- 9 - Houphouët - Boigny
- 10- Plan d' occupation des sols (POS)
- 11- Schemats directeurs des transports
- 12- Fonds européen de développement régional (FEDER)
- 13- Bonnier,
- 14- Compagnie nationale du Rhône (CNR)
- 15- J - F. Gravier
- 16- Schémat directeur d' aménagement et d' urbanisme (SDAU)
- 17- Villes nouvelles
- 18- Reseau de transport express regional (RER)
- 19- Métropoles d' équilibre
- 20- Compagnie nationale d' aménagement de la région du Bas Rhone et du Languedoc (CNARBRL)
- 21- Loi d' orientation foncière

- 22- Vanoise
- 23- Parcs régionaux
- 24- Décentralisation
- 25- plan Univerité 2000
- 26- Schema directeur des routes et autoroutes
- 27- Délocalisation
- 28- Mende
- 29- Dorsale européenne
- 30- Banane bleue

